

# خراسان رضوی

یک شنبه
۱۴ آبان ۱۳۹۶
۱۶ صفر ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۷۰۶

حکمت روز
امام صادق (ع)

**هر کس نماز را سبک بشمارد ، به شفاعت ما دست نخواهد یافت.**

کافی(ط-الاسلامیه) ج۳، ص۲۷۰

مناجات
خواجه عبدا... انصاری

خدایا!

**توضیحات**
را اینهای، قاصدان را بر سر راهی و وجدان را گواهی

چه باشد که افزایی و نکاهی.

روضه روح من رضای تو باد/ قبله گاهم در سرای تو باد

سر مه دیده جهان بینم/ تا بود گرد خاک پای تو باد

گر همه رای تو فنا ی من است/ کار من بر مراد رای تو باد

شد دلم در هوار در هوست/ دلم این ذره در هوای تو باد

با شاعران
مولانا



خراسان به روایت <i>فرسان</i>
۱۴ آبان ۱۳۵۴

## عروس ۶۵ساله و داماد ۲۵ ساله

۴۲ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

در شعبه دوم بازپرسی دادسرای مشهد باز شد و زنی شصت ساله به همراهی مردی ۲۵ساله ویک مامور شهریانی که پرونده‌ای زیر بغل داشت، وارد شدند.

ابتدا تصور می‌شد زن و مرد مادر و فرزند هستند و یا این که پیرزن، مادر زن مرد است ولی وقتی از جریان پرونده آن‌ها اطلاع یافتیم، روشن گردید که پیرزن در حقیقت همسر مرد ۲۵ساله است.

خبر نگار ما در بیرون از بازپرسی برای این که به داستان زندگی این زن و شوهر پی ببر، از پیرزنی که شاک می‌بود علت شکایت‌اش را جوابا شد. زن جواب داد: ۴۰ روز پیش این مرد مرا صیغه کرد از آن‌روز تا حالا هر روز با من دعوا می‌کنند و به من خرجی نمی‌دهند و من نیز به همین دلیل از او شکایت کردم. امروز همراه مامور کلانتری به کاروانسرای آهنجی واقع در کوچه سپاه آب که محل اقامت ماست رفتیم و او را بدون این‌که اجازه دهند لباسش را عوض کند، دستگیر کرده به کلانتری بردیم. در بازرسی بدنی که در کلانتری از او به عمل آمدیک وافور و ۶۰ گرم سوخته تریاک پیدا کردند.

به سراغ داماد جوان رفتیم. او گفت: نام من ابوالقاسم

نمای تاریخی



بازار روز

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۲۶۰۰	کیلو گرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلو گرم
سیب زمینی	۱۸۰۰	کیلو گرم	روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۲۱۰۰	کیلو گرم	مرغ گرم	۶۱۰۰	کیلو گرم
عدس کانادایی	۶۳۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۶۵۰۰	کیلو گرم
لوبیا قرمز	۷۳۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۷۵۰۰	کیلو گرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی			

### صفحه آخر

روزنامه خراسان رضوی:
رئب یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سر دبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۵۱۱-۳۷۶۳۴۰۰

نمابر دبیر خانه: ۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پدیرش آگهی و اشتراک: ۵۱۳۷۰۱۰
پيامك: ۲۰۰۰۹۹۹

یادداشت
<b>دکتر محمد رضا مولی‌زاده</b>

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

## ضرورت مشارکت همگانی با هدف تقویت فرهنگ عمومی

در جهان امروز مقوله فرهنگ روز به روز پیچیده‌تر، حساس‌تر و در عین حال با اهمیت‌تری می‌شودو زندگی روزمره بیش از پیش زیر نفوذ فرهنگ جلوه های گوناگون آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر تحولات اجتماعی، فرایند پرشتاب جهانی شدن و رشد بی سابقه فناوری، گسترش و نفوذ تکنولوژی ارتباطات و پدیده‌های دیگری از این‌دست، دگرگونی‌های بنیادینی را در عرصه فرهنگ پدید آورده‌است.

از این‌رو بدیهی است که تلاش برای دستیابی به نقش و اثر فرهنگ عمومی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروزی به عنوان یک مسئله مهم و دل‌مشغولی آحاد جامعه، مسئولان و صاحب‌نظران مطرح است و نگاه ویژه‌ای به این مقوله در کشور‌های در حال توسعه وجود دارد. از این منظر برای دستیابی به فقهی مشترک در این حوزه، ضرورت هماهنگی و هم‌سویی صاحب‌نظران، کارشناسان و برنامه‌ریزان در این خصوص بیش از پیش احساس می‌شود.

حال اگرچه تعاریف متفاوتی از فرهنگ عمومی وجود دارد اما در یک تعریف مختصر فرهنگ عمومی را می‌توان در این عبارت خلاصه کرد: «آرزش‌های پذیرفته شده و به کار بسته‌شده توسط آحاد یک جامعه یا کنش‌ها و واکنش‌های همگرای یک جامعه نسبت به یک رویداد، یک مناسبت، یک پدیده و...». در واقع فرهنگ عمومی فصل مشترک باورها و رفتار‌های آحاد جامعه و نشان‌دهنده مختصات فکری و رفتاری آن جامعه‌است. به بیان دیگر جوامع به واسطه فرهنگ عمومی خود از یکدیگر متمایز می‌شوند. بنابر این فرهنگ عمومی شناسامه فرهنگی یک جامعه به شمار می‌آید و شکل‌گیری فرهنگ عمومی و تجلی‌نوعی خاص از رفتار فرهنگی، پدیده‌ای خلق‌الساعه نیست که یک‌باره ظهور یابد، بلکه امری فرایندی است که در گذر زمان متولد شده است و غیبت می‌یابد. این امر فرایندی، بر بسترهایی متکی است و آن بسترها هستند که فرهنگ را در دامن خود می‌پروراند. به طور مثال از مهم‌ترین مولفه‌های مثبت فرهنگ عمومی جامعه ایران، می‌توان به فرهنگ عزاداری برای سیدالشهدا(ع) اشاره کرد. حال اگرچه نمودهای آن متفاوت است اما جوهره و جان‌مایه این نمودها یکسان و آن حقیقت واحدی است که همانا عشق و ارادت خالصانه به حضرت ابا‌عبدا...الحسین(ع) است.

راهپیمایی اربعه‌ای سال‌های اخیر در فرهنگ مانده‌اند و به بخشی از فرهنگ عمومی ما بدل شده است، شهادت‌طلبی و جایگاه فراز‌مند شهیدان در دیدگاه و منظر ایرانیان، مشارکت در تعیین سر‌نوشت اجتماعی و سیاسی خود که در قالب انتخابات نمود می‌کند، جشن و سرور و آشنی و باز شکوفایی در اعیاد بزرگی همچون عیدفطر یا نوروز از دیگر مولفه‌های مثبت فرهنگ عمومی در جامعه ما محسوب می‌شوند که به‌پویایی و زبایی برای جامعه می‌انجامند.

در عین حال از این مهم نیز نباید غافل شد که فرهنگ عمومی ما در برخی موارد نیازمند اصلاح است. به‌طور مثال فرهنگ کار جمعی و تعاون، فرهنگ کارآفرینی، فرهنگ مدیریت مصرف، فرهنگ دستگیری از یکدیگر و... مفاهیمی هستند که باید در چارچوب تقویت نگاه‌ها و باور‌های انسانی تقویت شوند.

ازوم تحکیم مبانی خانواده نیز که یکی از نقاط قوت و بهانه‌ها و باور‌های انسانی تقویت شوند.

به بیان دیگر مهم‌ترین مصادیق و پایسته‌های فرهنگ عمومی همچون قانون‌مداری، دانش‌نوع‌ها و کار، اهمیت‌به استفاده از تولید داخلی، اصلاح الگوی مصرف، دوری گزینی از تجمل‌گرایی و فرهنگ مطالعه و نیز پرهیز از قضاوت‌های شتاب‌زده و... در جامعه با مشارکت همگان باید در کانون توجه قرار گیرد.

حال از آن جایی که فرهنگ عمومی از مباحث تعیین‌کننده در مدیریت کلی جوامع است، سرمایه‌گذاری برای ارتقای آن از ضرورت‌های بسیار مهم تلقی می‌شود و باید به‌صورت ریشه‌ای روی آن تعمق و برای ترویج آن اقدام شود.

در همین زمینه شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور تقویت فرهنگ عمومی جامعه، آپین‌نامه‌ای را در سال ۱۳۶۴ تصویب کرد که بر مبنای آن شورای فرهنگ عمومی کشور تشکیل شد. بر این اساس شورای فرهنگ عمومی با عضویت جمعی از مدیران بخش‌های فرهنگی و مرتبط با آن و نیز شخصیت‌های فرهیخته و علمی موجودیت یافت. این شورا به عنوان یکی از نهادهای اجرایی- فرهنگی کشور است که نقش به‌سزایی در ساماندهی امور فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگ عمومی کشور دارد. این شورا در دوره جدید کاری خود بنا دارد با رویکردی اجتماعی و جامعه‌نگر، برنامه‌های جمعی تدوین، تا در چارچوبی کار بردی و میدانی، ماموریت مهم‌رواهبردی بالندگی فرهنگ عمومی را تعقیب کند. بی‌شک تحقق این مهم همکاری و همراهی دستگاه‌های مختلف فرهنگی و گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه را می‌طلبد تا برنامه‌های پیش‌بینی شده در این چهارچوب، در استان‌ها و شهرستان‌ها به خوبی به‌مرحله اجرا آید. علاوه بر این، مشارکت همگانی برای تقویت فرهنگ عمومی که همانا فرهنگ مردم است، یک ضرورت مهم به‌شمار می‌آید. علاوه بر این رسانه‌های جمعی نیز باید به عنوان نیرویی تأثیرگذار، نقش موثر خود را در این عرصه ایفا و هویت فرهنگ‌سازشان را تقویت کنند.

حرف توی حرف
صالحی

گپ و گفتی با نویسنده جوانی که در کارنامه‌اش آثار پر فروش و نشان ادبی جلال آل احمد را دارد؛

## دخترک گفت: کتابت را که خواندم دیگر احساس تنهایی نکردم



برگرفته از اساطیر و افسانه‌های باستانی بنویسم؛ اتفاقاً در انتهای رمان تازه‌ام با عنوان «هرس»، افسانه «عذرا و افر» را منائر از یکی از اساطیر یونان آورده‌ام اما هنوز برنامه‌روشنی برای اقتباس یا برداشت‌های آزاد از متون کهن در ذهن ندارم.

### ●کودکی با عطر کتاب

علاقه‌اش به نوشتن، ریشه در کتابخانه‌پرو پیمان‌پدرش دارد و تعریف می‌کند که چطور کودکی‌اش در میان انبوهی از کتاب‌های بزرگ سالان گذشته است؛ آن‌زمان مثل حالا نبود که کتاب‌های ویژه کودکان به‌وفور در دسترس بچه‌ها باشد. گهگاه دو، سه جلد کتاب از کانون به شهرستان‌های رسید ولی آن چند جلد، کفاف عطش من به خواندن را نمی‌کرد. پس از کتابخانه پدری انواع کتاب‌ها را برمی‌داشتم و می‌خواندم، اصلاً کتاب خواندن برای ما حکم سرگرمی را داشت چون در آن دوران در شهرستان‌ما امکانات تفریحی و سرگرمی خاصی فراهم نبود. دوران کودکی و نوجوانی به همین منوال می‌گذرد تا نوبت به کنکور و دانشگاه می‌رسد و فصل جدیدی در زندگی این نویسنده جوان رقم می‌خورد، خودش تعریف می‌کند: در دانشگاه و در رشته مکانیک پذیرفته‌شدم و همان‌زمان اکثریت از هجرت به تهران کرد. اصلاً علاقه‌نداشتم در این رشته و به واسطه آن، به فعالیت اقتصادی مشغول شوم. مجرای نویسندگی هم برایم بعدها روزنامه‌نگاری در مجلات جدی شد.

همسر ش فیلم‌ساز است و به واسطه وی با جهان تصویر و نمایش پیوند می‌خور؛۵۰چند کتاب در باره فیلم‌نامه‌نویسی خواندم و کم‌کم شیوه نوشتن آن‌ها را فرا گرفتم. در همان برهه بود که به دلایلی برای مدت کوتاهی از حرفه روزنامه‌نگاری کناره‌گرفتم. فراغت‌زمانی که حاصل آمد، باعث شد تا به فیلم‌نامه‌نویسی روی بیاورم که البته به آن بیشتر به عنوان مسیر جدیدی برای گذران امور اتان‌دگی نگاه می‌کردم و همچنان ادبیات و نوشتن کتاب، اولویت اول و آخرم بود و هست. حرف را می‌کشانیم سمت علایق و آینده کاری او، در پاسخ بیان می‌کنند: در حوزه ادبیات، به واقع گرایشی و گزارش‌های مستند گونه تمایل دارم. از این منظر روی چند موضوع تمرکز یافته‌ام که برای نمونه یکی از آن‌ها تری با موضوع «مهاجران افغان در اروپا» است. حتی تا حدی از تحقیقات میدانی و مطالعه موضوع نیز کم دارم. به‌شهرت سرگذشته و به‌شماری از کشور‌های اروپایی برای آشنایی بیشتر با این موضوع سفر کرده‌ام.

وی در ادامه درباره چارچوب‌های نوشتن از زاویه نگاه خود می‌گوید: محدودیتی در نوشتن برای خودم قائل نیستم. گاهی میل دارم کتابی

فریدون جبرانی کارگردان خراسانی، در گفت وگوبا «همشهری ۲۴» به‌بهانه‌اکران اثرش خفگی، از درون‌مایه و ریشه برداختن به ماجرای جنایی و بعضاً ترسناک در آثارش سخن به میان آورده و در بخشی از این گفت وگو، روایتی از کودکی‌اش و تأثیر احتمالی آن دوران بر نگاه امروزش را بیان کرده‌است: من در خانواده‌ای بزرگ‌شدم که پدرم دو تازن داشت و من تنها پس‌رزن اولش بودم و پسر دیگری از زن اولش نداشت. زن دوم و بعد‌ها صاحب پنج بچه شد و من در کودکی تا ۱۰ سالگی تنها بودم. وقتی هم بیست‌ساله شدم، بچه‌بعدی تازه ۱۰ساله‌شده بود. بنابر این من کودکی‌ام را در تنهایی گذراندم. به‌شدت ترسو و تنها بودم، اهل جدال و دعوا نبودم و به‌شدت آدم منزوی‌ای بودم و حسرت آدم‌هایی‌را می‌خوردم که برادر و خواهر داشتند و با هم بیرون می‌رفتند و کاری می‌کردند. در شهرستانی هم زندگی می‌کردم که به‌شدت محدود و بسته بود. تربت حیدر به یک شهرستان کوچک و مذهبی بود در حالی که خانواده من اصلاً مذهبی نبود. پدرم کارمند اداری عالی‌رتبه بود و در خانواده‌مانه موسیقی شنیدن مشکل داشت، نه سینما رفتن. وقتی در هجده‌سالگی به اداره برنامه تناثر مشهد فتم و اولین سناریوام را نوشتم، داستان یک جنایت داشت. نمی‌دانم چرا؟! داستان پسر جوانی بود که بازن مستی ارتباط برقرار می‌کرد، بعد شوهر زن می‌فهمید و هر دوی آن‌ها را می‌کشت. در هجده‌سالگی این صحنه را نوشتم، در حالی که تا آن موقع فیلم‌های پلیسی و جنایی زیادی ندیده بودم،»

# مشهد
<b>شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی</b>

فریدون جبرانی کارگردان خراسانی، در گفت وگوبا «همشهری ۲۴» به‌بهانه‌اکران اثرش خفگی، از درون‌مایه و ریشه برداختن به ماجرای جنایی و بعضاً ترسناک در آثارش سخن به میان آورده و در بخشی از این گفت وگو، روایتی از کودکی‌اش و تأثیر احتمالی آن دوران بر نگاه امروزش را بیان کرده‌است: من در خانواده‌ای بزرگ‌شدم که پدرم دو تازن داشت و من تنها پس‌رزن اولش بودم و پسر دیگری از زن اولش نداشت. زن دوم و بعد‌ها صاحب پنج بچه شد و من در کودکی تا ۱۰ سالگی تنها بودم. وقتی هم بیست‌ساله شدم، بچه‌بعدی تازه ۱۰ساله‌شده بود. بنابر این من کودکی‌ام را در تنهایی گذراندم. به‌شدت ترسو و تنها بودم، اهل جدال و دعوا نبودم و به‌شدت آدم منزوی‌ای بودم و حسرت آدم‌هایی‌را می‌خوردم که برادر و خواهر داشتند و با هم بیرون می‌رفتند و کاری می‌کردند. در شهرستانی هم زندگی می‌کردم که به‌شدت محدود و بسته بود. تربت حیدر به یک شهرستان کوچک و مذهبی بود در حالی که خانواده من اصلاً مذهبی نبود. پدرم کارمند اداری عالی‌رتبه بود و در خانواده‌مانه موسیقی شنیدن مشکل داشت، نه سینما رفتن. وقتی در هجده‌سالگی به اداره برنامه تناثر مشهد رفتیم و اولین سناریوام را نوشتم، داستان یک جنایت داشت. نمی‌دانم چرا؟! داستان پسر جوانی بود که بازن مستی ارتباط برقرار می‌کرد، بعد شوهر زن می‌فهمید و هر دوی آن‌ها را می‌کشت. در هجده‌سالگی این صحنه را نوشتم، در حالی که تا آن موقع فیلم‌های پلیسی و جنایی زیادی ندیده بودم،»

دانش‌آموزان دبستانی پس از راهپیمایی امروز در قوچان، در یک اقدام پسندیده، زیاده‌هایی را که احیاناً در مسیر راه‌شده بود، جمع‌آوری کردند.

مهران مهمان تهیه‌کننده سریال زیر آسمان شهر ۴، به‌تازگی در مصاحبه‌ای بازم حرف‌از حضور عطاران در این اثر به‌میان کشیده و گفته است: برای شروع سری چهارم این سریال، همچنان چشم انتظار رضا عطاران هستیم و به همین دلیل برای اوزنبیل گذاشتن ما توسط مهران بهشتی مهران غفوریان حضور عطاران را در این اثر تک‌بیز کرده‌بود.

مهران مهمان تهیه‌کننده سریال زیر آسمان شهر ۴، به‌تازگی در مصاحبه‌ای بازم حرف‌از حضور عطاران در این اثر به‌میان کشیده و گفته است: برای شروع سری چهارم این سریال، همچنان چشم انتظار رضا عطاران هستیم و به همین دلیل برای اوزنبیل گذاشتن ما توسط مهران بهشتی مهران غفوریان حضور عطاران را در این اثر تک‌بیز کرده‌بود.